

عنوان مقاله:

شوپنهاور و گذار از روش استعلایی کانت

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 10، شماره 39 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

سیدحمید طالب زاده - دانشیار فلسفه دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

کانت با آگاهی از دشواریهایی که معرفتشناسی عقلی مذهبیان و به دنبال آنها تجربی مذهبیان به بار آورد، راه تازهای را در فلسفه پیش گرفت و به جای اینکه از روش بهدستاوردن معرفت یقینی آغاز کند، از امکان معرفت یقینی آغاز کرد. او از تحقیق در روش شناخت یقینی که وجه همت عقلی مذهبیان بود، منصرف شد و در نتیجه، از حدود معرفتشناختی فراتر رفت و به جای آن به جستجو برای تاسیس بنیانی برای معرفتشناختی پرداخت و این مهم را با روش استعلایی به انجام رسانید. روش استعلایی که بهطور عام رسیدگی به شرایط پیشینی امکان معرفت یقینی را محور تحقیق خود قرار داد، اگرچه کاستیهای معرفتشناختی را برطرف کرد، اما به نوبه خود به نقاط ضعفی مبتلا بود که بیدرنگ اعتراض پیروان کانت را برانگیخت و باعث شد تا در عین وفاداری به او، پیمان شکنی کنند و در عین نزدیکی با وی، فاصله بگیرند. فیشته روش استعلایی را به دیالکتیک متحول کرد و شوپنهاور با بازگشت مجدد به بارکلی روش استعلایی کانت را ویران نمود. این نوشتار به چگونگی گذار شوپنهاور از روش استعلایی کانت میپردازد و نشان میدهد که شوپنهاور اگرچه شرایط استعلایی کانت را میپذیرد ولی با استدلالهای استعلایی کانت - که کانت مدعی است از منابع محض سوژه استعلایی بدست آوردهاست - مخالف است، همچنین شی فی نفسه و ابژه تمثل را نیز به چالش میکشد و نهایتا شیوه مستقیم بارکلی را در ایده یالیسم تجربی برمیزیند.

کلمات کلیدی:

کانت، شوپنهاور، روش استعلایی، شی فی نفسه، ابژه تمثل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/603038>

